

حکایت حج

حسین وانقی

۱. تغیر جدید در پرده کعبه

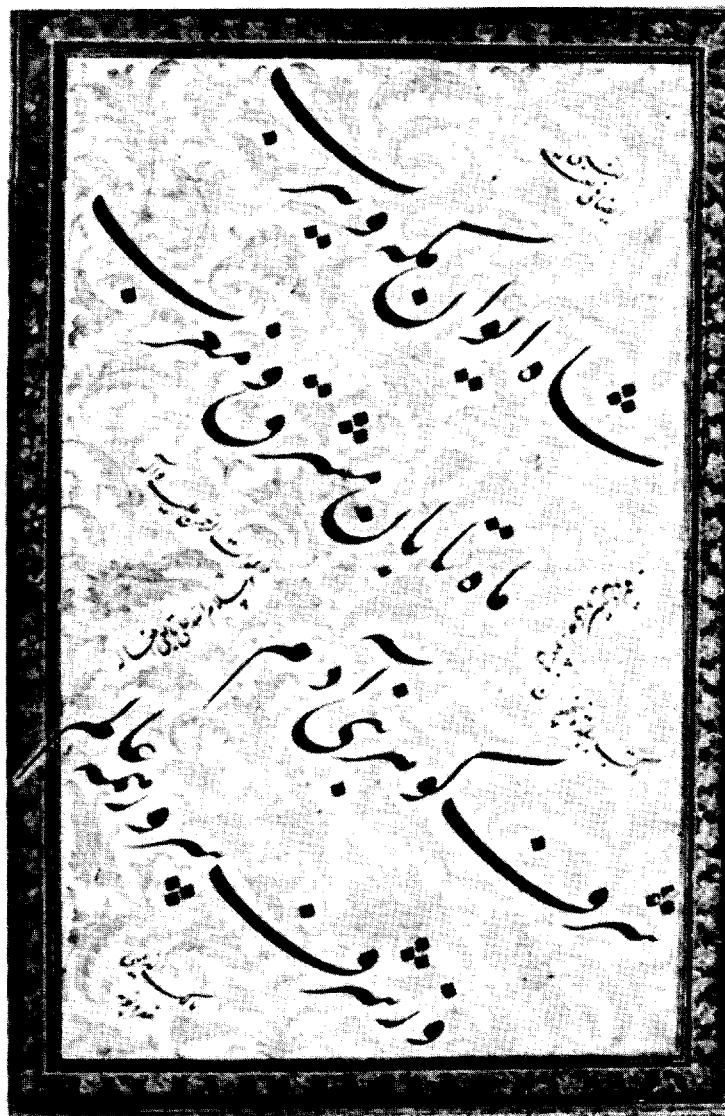
در تاریخ ۱۲ جمادی الآخر ۱۴۳۴ هـ. به تقویم سعودی، مطابق سوم اردیبهشت ۱۳۹۲ ش. صبحگاهان، به قصد طواف کعبه مشرفه، راهی حرم شدم. دیدم بالابری را نصب کرده و با آن، پرده کعبه را در ضلع بین رکن یمانی و رکن حجر الأسود، با فرجه تمیز و چیزهای به آن چسیده را جدا و جمع میکنند. در همین حال یک قطعه کامل به طول همان ضلع، بر روی قسمت پایین پرده می‌دوزنند. آن روز (سه شنبه) سپری شد. شب که رسید (شب چهارشنبه) ساعت حدود ۳۰:۱۰ برای عمره مجدد مُحرم شده و به طواف کعبه گرامی آمدیم. هنگام طواف، چیز جدیدی را روی پرده دیدم؛ ۴ قطعه طلا دوزی کوچک همانند دیگر نوشته‌های طلا دوخت روی پرده کعبه، که روی هر یک «الله اکبر» درشت و با خط ریز (۱۴۳۴ هـ). دوخته شده بود و آن‌ها را در یک ردیف از بالا به پایین، با فاصله، بر روی پرده، روی رکن حجر و بر بالای حجر الأسود دوخته بودند؛ به گونه‌ای که نیمی از هر یک در ضلع حجر به سمت درب کعبه و نیمی دیگر در ضلع حجر به سمت رکن یمانی بود، در حالی که اصل پرده کعبه تاریخ ۱۴۳۳ هـ. را داشت. معلوم شد این چهار قطعه را جدیداً ابداع کرده و روی پرده بر بالای حجر الأسود دوخته‌اند؛ یعنی مربوط به تاریخ تعویض پرده نبود، بلکه جدیداً روی آن دوخته‌اند.

الله اکبر؛ ذکری است که به هنگام طواف در مقابل حجر الأسود با بلند کردن دست راست می‌گویند.

میقات

۲. شعری در مدح پیامبر ﷺ

دو بیت شعر از شاعری ناشناخته در مدح پیامبر اکبر ﷺ، به خط خوشنویس معروف قرن دهم و
یازدهم هجری، مالک دیلمی، در نجف، در سال ۹۶۱ هـ.



۳. مدح مدینه منوره

از میرداماد فیلسوف شهر (۹۷۰ - ۱۰۴۰ق.)

در تن از جلوه جانانِ مَنْش جان بوده است
آتش‌اندر جگرِ چشمۀ حیوان بوده است
آفتا بش خِجل از ریگ بیابان بوده است
این زمین سجده‌گه روپه رضوان بوده است
بارها عقلِ کُلش نایب و دربان بوده است
خانه افروزِ جلیدیه امکان بوده است
کعبه حاجت این گندگ‌گردان بوده است
زیر سیلاب عرق غرقة طوفان بوده است
گر همه مهر و مهش قطره باران بوده است
مايئة بیهتران فضل کریمان بوده است.^۱

این زمینی است که جولانگه جانان بوده است
این زمینی است که از غیرتِ خاک چمنش
این زمینی است که از نور شعاعِ رُخ دوست
این زمین داوری کشور امکان کرده است
بارها پیش درَش چرخ برین بُرده نماز
اندراین کوی چه کرده است که چون نورِ بَصَر
این مدینه است همانا که حریم حرمش
ابر تا بر سر او سایه فکن گشته زشrum
پیش ابرِ کف جودِ تو خجل بوده سحاب
ور پذیری به کرم گر هنری نبود از آنک

۴. در صفت مکهٔ معظمه و مدینه منوره

از عبدالله ثانی، مشهور به بهشتی هروی از سرایندگان شیعه مذهب قرن یازدهم هجری:

در صفت مکهٔ معظمه

کز فیض بُود بنای مکه	چون جان ندهد هوای مکه؟
از عمر مسیح کام گیرد	هرکس که در آن مقام گیرد
نور است به دیده‌ها غبارش	فیض است صفائی کوهسارش
شد روشن از آن سوادِ عالم	باشد شرفِ بلادِ عالم

۱. دیوان اشراق، از میرمحمد باقر داماد، نشر میراث مکتب، به کوشش: سپیرا بوستن‌دوز، چاپ اول، ۱۳۸۵ه.ش، صص ۵۹ و ۶۰

بگرفته براتِ نور جاوید
 از چشمۀ خُلد زاده توأم
 بُرجِ مه و مهر هر دُکانی
 ارض است و فلک شکوه باشد
 از کرسی عرش بر ترا آیی
 در مُزدَلَفه دهد خدایت
 کانجا اثر از دعا رَوَد پیش
 کز فیض صفا و مروه بهتر؟
 گویا دو برادرند با هم
 یک تیغ و دو سر چو ذوقه اند
 دریاب که مُشَعَر الحرام است
 مرغان سپهر طائرانش

از سایه بُوقُبیس، خورشید
 با کوثر و سلسلیل و زمزم
 بازارِ مناش آسمانی
 شهرش دره‌های کوه باشد
 چون بر عرفات او برآیی
 هر چیز که هست مُدعایت
 اظهار نمای مطلب خویش
 از فیض صفا و مَرْوَه مگذر
 پا در دامان کشیده با هم
 از خویش جدایی ای ندارند
 جایی که پناهِ خاص و عام است
 حوران بهشت زائرانش

صفت کعبه

خورشید کمینه چاکر اوست
 بنای عمارتش خلیل است
 ایمان بی طوفِ کعبه سُنت است
 مکه جسم است و کعبه اش جان
 چشمی است که مردمک ندارد

تا سایه کعبه بر سر اوست
 نه کعبه که خانه جلیل است
 اسلام ز رکن او دُرست است
 چون مردمک سیاه چشمان
 جسمی که زجان نمک ندارد

صفت حجر الأسود

آینه بُود زفیض سر مد
 فیضِ رنگِ بلال را یافت

زیبا حَجَرَش که گشت آسود
 چون نورِ جلال حق بر آن تافت

گردید خسوف ماه تابان
عصیان نرود به خلق همراه
آیینه چهره یقین است

با عکس حبیب اهل عصیان
زان روی ز طوف کعبه الله
سنگ محک زر جبین است

صفت مدینه شریفه

کانجاست جهان جهان دفینه
نخلستانش کم از جنان نیست
حاکش بهتر ز آب گوهر
بر روی ملک عبیر بیزد
هر ریزه سنگ شجراغی
آفاق منور از حریمش
فیضش ز ضریح مصطفای است
آیینه مشرق است و مغرب

از کعبه رَوْم سوی مدینه
گلزار مدینه را خزان نیست
آن چشم و چراغ هفت کشور
گُردی که زکوچه هاش خیزد
هر کوچه اوست رشک باغی
گلزار معطر از نسیمش
کعبه نه و قبله دعای است
از نور ضریح شاه یشرب

صفت گورستان بقیع

در قدر و شرف نه چون بقیع است
فیضش به جنان فشنده دامان
پرداختم از گهر خزینه

هر چند که آسمان رفیع است
از دولتِ روضه امامان
در مدبعتِ مکه و مدینه

۱. نور المشرقین، از عبدالله ثانی مشهور به بهشتی هروی، تحقیق: نجیب مایل هروی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۷، ش. صص ۸۲ - ۸۳.